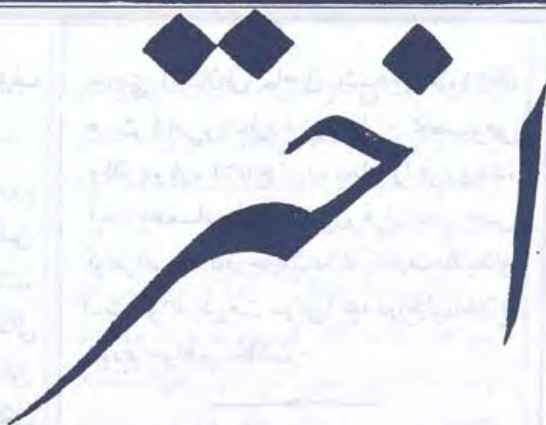


مطبعه و اداره خانه اختر  
 قمر راسته بایعالی است نمره ۲۵  
 درکارهای متعلق بداره به آقا محمد طاهر  
 رجوع میشود  
 اسمی وکلای کرام در مالک دور و نزدیک  
 گاهی در صفحه آخر بنکاشته خواهد شد  
 روز چهارشنبه ۲۰ شعبان سنه ۱۳۹۷  
 ۱۶ غوز زوی و ۲۸ ماه ژولیه ۱۸۸۰



تعارف بدلات سالیانه  
 دارالسعاده اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم  
 دبر مالک محروسه عثمانیه ۷۵ فروش صاع  
 مالک محروسه ایران ۲۵ قران  
 مالک هندوستان و بنادر ۱۵ روپی نقره  
 مالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی  
 مالک اروپا ۲۵ فرانک  
 یک نسخه ۶۰ پاره است  
 اجرت پوست همه جابده اداره است

این نامه از هر گونه وقایع و اخبار و از سیاست و بولینیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می گوید  
 و نوشتجات سودمند را بامتنان می پذیرد  
 و نوشتهای که از خارج می رسد اداره آزاد است  
 و کاغذی را که نوشته نمی شود  
 صاحبش نباید استرداد بکند  
 و کاغذهایی که بول پوست ندارد قبول نخواهد شد

## ملکرامها

ازلندن ۱۳ شعبان  
 صاحبان املاک قطعه (ایرلند) بمجلس مبعوثان  
 داده شده بود در مجلس مذکور بطور قطعی پذیرفته  
 شده است

بموجب خبرهایی که از کابل رسیده است  
 بسیاری از معروفین رؤسای افغان امارت  
 عبدالرحمن خان را تصدیق می کرده اند

ازلندن ۱۳ شعبان  
 وزیر خارجه انگلستان در مجلس اعیان اظهار نمود  
 که بسیاری از صاحب منصبان المان که از دیرگاهی  
 در خدمات دولت عثمانی مستخدم بودند در صدد  
 استعفا نمودن از مأموریت خودشان هستند  
 علاوه بر این گفته است که دولت المان آرزو مند این  
 است که باتفاق سایر دولتها رفتار نماید و هیچوقت  
 در خارج از دایره اتفاق دولتها رفتار نخواهد  
 نمود

از اتق ۱۳ شعبان  
 دو قطعه لایحه برای تصدیق شدن نزد اعلیحضرت  
 پادشاه یونان فرستاده شده است  
 در یکی از لوائج  
 مذکور تکلیف کرده شده است که قشون یونان را  
 که در وضع مرخصی بوده اند اسلحه داده آماده  
 سفر نمایند و در آن دیگری نیز نوشته اند که مجلس  
 مبعوثان یونان بطور فوق العاده اجتماع نماید  
 پس از صدور اراده پادشاه مشار الیه فقرات  
 مذکور بطور رسمی اعلان کرده خواهد شد

کشتیهای جنگی دولت انگلیس که در دریای  
 سفید بود اینروزها از (جنوه) به بیشکاکه جزیره  
 (کورفو) خواهد رسید  
 همچنین یک دسته  
 کشتیهای جنگی دولت ایتالی نیز در این نزدیکی  
 بممت آبهای یونان وارد خواهد کرد  
 از شانکای ایضا  
 بموجب خبرهایی  
 که از جزیره (مانیل) رسیده است اینروزها  
 در آنصفحات چند بار زلزله سختی واقع شده  
 موجب خسارت کلی گردیده است  
 از لندن ۱۵ شعبان  
 اخبارنامه  
 (استاندارد) بموجب تلگرافنامه بر این میگوید  
 اینروزها در طهران شایع شده است که یک قسمت  
 سواحل خلیج فارس یعنی لنگرگاههای بندر (ای شهر)  
 و (بندر عباس) در مقابل پانصد و شصت هزار  
 لیرای انگلیسی بدولت مشارالیه فروخته شود  
 اختر

از قراریکه تحقیق نمودیم این خبر تلگرافی بکلی  
 بی اصل و از خبرهای معمولی است  
 از سیلا ایضا  
 کابل از جانب قشون  
 انگلیس خالی کرده شد  
 امارت عبدالرحمن خان  
 از جانب دولت انگلیس پذیرفته گردید  
 قشون  
 انگلیس بحدود مدی که در عهدنامه (کندمک)  
 معین گردیده است خواهد برگشت  
 از را کوزه ۱۶ شعبان  
 قشون قره  
 طاغ در نزدیکی موقع (سرمانجه) بروی ارنالوها  
 پورش برده سی و دونفر از آنها را کشته حیوانات  
 آنان را نیز ضبط نموده اند  
 از چشته ایضا  
 برنس نیکولا حکمران  
 قره طاغ دستور العمل داده است حیوانات  
 ارنالوها را که در نزدیکی موقع (سرمانجه)

از جانب قشون قره طاغ ضبط شده بود ارنالوها  
 رد کرده شود  
 نیز حکمران مشارالیه دستور العمل  
 داده است که اهالی قره طاغ از شانزده ساله تا شصت  
 ساله همگی اسلحه پوشیده آماده جنگ بشوند  
 از لندن ایضا  
 مسیو کلاسنون رئیس  
 وزرای انگلستان در مجلس مبعوثان در جواب  
 سوالی گفته است که تعیین نمودن وضع ائتلاف  
 افکار و اتفاق دولتهای اروپا را در باره شرق  
 فورا ممکن نیست  
 و چنان نیست که از تمامی  
 اتفاق دولتها در اینباب خاطر جمعی حاصل آید  
 بنابراین هرگاه در این فقره اتفاق تمام حاصل  
 نشود نتیجه کار بی ثمر خواهد ماند  
 از اتق ۱۷ شعبان  
 کشتیهای جنگی  
 فرانسه که در لنگرگاه (فالر) بود در این نزدیکی  
 از آنجا حرکت نموده بجزیره (کورفو) عزیمت  
 خواهد نمود

کشتی (بووه) نام نیز اینروزها از لنگرگاه فالر  
 حرکت خواهد کرد  
 (مسیو جورج) برادر (مسیو ماورو)  
 کورداتو وزیر معارف یونان از جانب دولت  
 مشارالیه بسفارت پترسبورگ معین گردیده  
 است

(مسیو کوموندروس) رئیس وزرای یونان  
 روز چهارشنبه (امروز) بان وارد خواهد شد  
 از پاریس ایضا  
 از جانب دولت المان  
 بحکومت فرانسه اطلاع داده شده است که  
 هرگاه در شرق اجرای خود نمایان مقتضی بشود  
 دولت مشارالیه نیز در این خود نمایی با سایر دولتها



همراهی خواهند نمود. و مظنون است که این تکلیف از جانب همه دولتها پذیرفته شود.

از پاریس ۱۷ شعبان ۱۲۸۷  
ریاست (مسئو هتزی ر و شفور) مجلس کونفرانسی منعقد شده شب روز مذکور نیز از جانب موصی الیه بحضورین مجلس کونفرانس مهمانی داده شده است. در مجلس مهمانی مذکور برضد (مسو کامبتا) خطبای بسیار سخت خوانده شده است.

از لندن ۱۸ شعبان ۱۲۸۷  
(استاندارد) بموجب تلگرافنامه اتی میگوید. در باب مسلح داشتن عساکر احتیاط یونان روز یکم ماه اکتبر فرسکی آینده اراده پادشاه یونان صادر خواهد شد. بموجب اراده مذکور مجلس به یونان یونان نیز فوراً منعقد خواهد گردید.

## داخلیه

شب یکشنبه گذشته بمناسبت اینکه فردای آن ولادت باسعادت همایون بود همه دوائر دولتی و خانهای ییلاق و کلا و اجله رجال دولت علیه بافنادیل کونا کون آیین بندی شده رسم مسرت و شادمانی بعمل آورده شده است.

جناب دولتمآب حسین فوزی پاشا مشیر سابق اردوی همایون ششم چند روز پیش از این باماموریت مخصوص بجانب ولایت سوریه (شامات) عزیمت نموده است.

ساعاتآب تحسین پاشا متصرف (کلیولی) روز شنبه گذشته بمحل مأموریت خود عزیمت نموده است.

از جانب بابعالی کاغذ مشترک سفرا را که در باب اجرای قرارداد کونفرانس نوشته شده بوده است هنوز جواب داده نشده است. روز دوشنبه گذشته مجلس مخصوص و کلابطور فوق العاده اجتماع نموده بمذاکرات مسئله حدود یونان پرداخته اند ولی تا کنون ارسلیه مذاکرات

بدرستی اطلاعی حاصل نشده است احتمال هست که امر زبافردا نیز بمجلس مخصوص و کلا دوباره اجتماع نموده مطلب را قراری داده آید. باعتبار مابابعالی این قرار دان مجلس کونفرانس را که در حقیقت بمنزله تکلیف مایطابق است نتواند پذیرفت در ثانی آنچه در ایجاب اطلاع نمودیم خواهیم نکاشت.

جناب دولتمآب درویش پاشا والی تازه سلانیک روز شنبه گذشته از سعادت بجانب محل مأموریت خود حرکت نموده است.

(مسئو وینس) نام از ترجمانهای سفارتخانه انگلیس چند روز پیش فجأة وفات نموده است.

اخبارنامه (کوریه دوریان) میگوید. امروز سفرای دولتهای بزرگ مجلسی منعقد نموده در باب مسئله حدود فرط طاعین کاغذ دیگری ببابعالی نوشته انجام دادن مسئله را خواهند خوانند. اخبارنامه مذکور میگوید این آخرین کاغذیست که در ایجاب از جانب سفرا نوشته ببابعالی فرستاده می شود.

اخبارنامه فار دو بوسفور میگوید. در جواب کاغذ مشترک سفرای دولتهای بزرگ که در باب انجام دادن مسئله حدود یونان ببابعالی فرستاده شده است از جانب بابعالی امروز بافردا جواب داده خواهد شد. بابعالی در جوابنامه مذکور تکلیف خواهد نمود که برای فصل مسئله در اسلامبول مجلس کونفرانسی تشکیل گردد.

بیشتر در یکی از نسخهای اختر نوشته بودیم که از جانب اعلا حضرت پادشاه اسپانیا باعلا حضرت اقدس پادشاهی بقطعه نشان (توازون دور) که بزرگترین نشانهای دولت مشارالیه است فرستاده شده است. روز پنجشنبه گذشته نشان مذکور بواسطه جناب (مارکی دولاولیلاما نیلا) سفیر دولت مشارالیه مقیم اسلامبول در سرای همایون بلدز بحضور همایون پادشاهی تقدیم کرده شده است. در این رسم تقدیم نشان از جانب حکومت سنیه بقرار معمول احترامات لائق درباره سفیر مشارالیه و هیئت

سفارت بعمل آورده شده است. چنانکه روز مذکور در چهار دستکاه از کالسکهای دولتی از اصطبل همایون برای سوار شدن سفیر و همراهانش در اسکله (طولیه باغچه) حاضر و آماده شده بود سفیر مشارالیه نیز در ساعت معین از سفارتخانه بیلاق گذر (پو کرده) واقع است سوار واپور کوچک مخصوصی شده با اسکله (طولیه باغچه) وارد گردیده از جانب سعادتآب ابراهیم پاشا تشریفاتی خارجیه و عزت بیک اندیدی باور حرب (جنرل اجودان) اعلا حضرت پادشاهی استقبال کرده شده سفیر مشارالیه و همراهانش سوار کالسکهای مخصوصی گردیده بسرای همایون بلدز عزیمت و در درب سرای همایون بکدسته عساکر خاصه شاهانه نیز صف بسته موقع تعظیم و احترام بوده بکدستگاه موزیک نظامی نیز مرقم بودی. سفیر مشارالیه پس از شرفیابی حضور همایون و تقدیم نشان و نامه خطابه ببلغ مناسبی نیز خوانده از جانب اعلا حضرت پادشاهی باعطای جوابهای لطف آمیز فقخر و میباهی آمده است.

اخبارنامه (لافرانس) بموجب کاغذی که در ششم همین ماه ذولیه فرسکی از اخبار نکار (اشقودره) گرفته است در باره وضع ارنائوستان اطلاعات ذیل را می نویسد.

از دوماه باینطرف است کدر باره ارنائوستان باره اطلاعات مبالغه آمیز در اخبار نامه های اوستریا و ایتالیا دیده می شود. از بیانات اخبار نامه های مذکور چنان می بیند اشتم که مأمور بن عثمانی از نظم و نسق مملکت عاجز مانده خود را بقلعه کشیده اند. و در شهر بیرق هیئت اتفاق ارنائوستان افراخته شده است. وزیر از روش اظهارات اخبار نامه های مذکور تصور منموم که در اردوگاه (توزی) بعضی صاحب منصبان ایتالی و لهستانی و سایر مردمان بی سرو پای تبعه خارجی را خواهم دید. زیرا دروین بموجب خبرهای تلگرافی شایع شده بود که در میان ارنائو دهها خیلی صاحب منصبان خارجیه حتی از گروه کومونیسیت نیز موجود بوده است.

حال آنکه همه این روایات بی اصل بوده است. وضع مملکت چنانکه سابق بود بهمان قرار است. هیچ فرقی در نظم مملکت از سابق دیده



در صورتیکه این وضع وقاعد در خارج منافع ایشان باشد ابتدا قابل توجه واعتنا نمیدانند.

کار آگاهان اروپا یا از وضع کار بطور لایق آگاهی ندارند و یادداشته و فهمیده اغراض میکنند.

چون ارنالوها قوت نگاهداری حقوق خودشان را دارا هستند و بالغه شجاع و جنگاورند و میتوانند که در راه حفظ حقوق خودشان بکشد و پنجاه هزار نفر مردمان شجاع و دلیر این جنگ بفرستند (بچار بس) و (قنار بس) نامان و غیرهم که در هنگام شورش پیشتری یونان شجاعان و مردانکی آنان کوشش عالمیان کردند از افرا همین طایفه ارنالوها بودند.

ارنالوها در مجاریات (بلونه) و (شقیه) اظهار شجاعت فوق العاده نمودند اکنون بدیهی است که در نگاهداری حقوق وطن خودشان بطور بسیار دهشت انگیز و جان سپارانه جنگ خواهند نمود و این یکی آشکاراست تا قطعاً (اپروس) را یکی ویران نکنند دست از تصرف (پانیسه) برنخواهند داشت.

یونانیان برخلاف حرکت میکنند زیرا در حالتیکه خودشان در کارهای مالی و تجارت خیلی ترقی کرده بودند قدر این ترقی را ندانسته از چند سال باین طرف است که بترقی گروه (اسلاوون) خدمت میکنند و بدین وسیله اقوام (شبه جزیره بالکان) را که متفق ملیتی آنها نیست بشوند برخورد دشمن نموده اند.

خلاصه بدیهی است که در میان ارنالوها و یونانیان جنگ بسیار خونریزی واقع خواهد کردید و انتقام این جنگ زمانهای بسیار طولی امتداد خواهد یافت.

## خارجیه

جناب پرنس (ارشیدوک رودوف) ولیدمیر دولت اوستریا تصور داشته است که بسعت شرقی یک سیاحتی نماید از قراریکه اخبار نامهای میونسو ولیدمیر مشارالیه در اول ماه ایلول آینده از (تریست) سوار واپور شده شهرهای (یافه) و (قدس شریف) و بیت اللحم را زیارت نموده پس از آن از مصر علیا گذشته بشهرهای قاهره و اسکندریه رفته بعد از سیاحت آنجاها در آغاز ماه تشرین اول پیرین عودت خواهند نمود.

از دولت عثمانی خواهان امتیازات دیگری هم نیستند و نمی خواهند که با وجود عدم توجه اروپا و خصوصیت دولتهای همسایه دولت متبوعه خود شانرا نیز دلگیر نمایند.

ارنالوها برضد اینکه آنان را بدون حق میخواهند مانند کله کوسفند بفروشد پروتست نموده بشکاهداری حقوق خودشان برخواسنه اند و هیچوقت نسبت دولت بیکانه را قبول نمیکند. و ملاحظه اینکه در میان خودشان اختلاف و شورش واقع نشود از هرگونه انتقام شخصی که بآنها دیگر داشته اند صرف نظر نموده در این باب (بسا) یعنی بطور مؤکد تهدید و پیش قدمی نموده اند.

هرگاه مقتضی بشود که بسعت قره طاغها یورش ببرند همه ارنالوها در قافله حرکت خواهند نمود.

بمجرد شنیدن اینکه دولتهای اروپا قراردادها اند که لنگرگاه (اولکون) و دست چپ و دخانه (بویانه) بقره طاغها واگذار بشود فوراً بمواقع لازم و عمده آنجاها از یاده بر چهار هزار نفر فرستاده شده است که مواقع مذکور را از ترس قره طاغها نگاهداری نمایند.

کیفیت واکنداری مواقع مذکور از جانب (مسیو کرین) قونسل انگلیس صواب دیده شده بود.

تبعات (مسیو کرین) اهالی آنجاها از گروه (اسلاوون) بوده اند که در قدیم الایام دین اسلام پذیرفته اند. حال آنکه این اعتقاد درست نبوده است. تصور مردمان منصف بی طرف برای نگاهداری آسایش شرق از جانب (هرسک) که اهالی آنجاها اسلاوون و مذهب (اورتودوکس) را دارند دادن پاره اراضی مناسب دیده می شود چون اهالی آنجا نوعی رابطه هم مذهبی با اهالی قره طاغ دارند در حقیقت این تصور خیلی صواب است.

حکومت قره طاغ هیچ حقی در ملک (اولکون) ندارد ولی بدلائل چند استحقاق تصرف (اسپچ) و (بودونه) و (قطارو) را دارد حال آنکه دولت اوستریا هیچوقت بدادن آنجاها راضی نمی شود. جای تأسف این است که بعضی از دولتهای بزرگ و تمدن وضع وقانون قومیت و جنسیت را ملاحظه منافع خودشان پذیرفته اند.

نمی شود حتی در آغاز نظم و آسایش و سکونت مملکت را بدرجه یافتن که بدون هیئت اتحاد ارنالوهاست اعتماد نمیکردم. زیرا همه اهالی از هر طبقه هر کدام بکمال امنیت مشغول کسب و کار خودشان بودند. ولی پس از اقامت چند روز وضع اهالی را دیدم که همگی بدوسته مسلح هستند حتی صنوف بزرگان نیز در حالت زراعت تغشک بردوش گرفته کار میکردند و هیئت اتحاد تنخواه اعانه جمع نموده در بازار (اشقودره) آذوقه خریدند چون این اوضاع را مشاهده نمودم معلوم گردید که ما مورین حکومت را در ارنالوهاست و نفوذی باقی نمانده است و زمام اداره حکومت شهر را یک مجلس پنهانی که مرکب از ده نفر اعضا است در دست گرفته رفق و فقی کارها بسته با تصمیم آراء مجلس مذکور است.

ولی این مضمونات نیز بیکدرجه خالی از بهانه نیست. بعضی دولتهای همسایه برای استحصال منافع خودشان کله (اداره مختاریت) را بزبان اهالی انداخته اند که بدینوسیله در میان دولت عثمانی و ارنالوها اختلافی انداخته و از آن اختلاف استفاده نمایند هرگاه بدین وسائل اختلافی ظاهر بشود اهالی عبوس و آنجه هم داخل شورش گردیده دایره اختلال وسعت حاصل نموده موجب مداخله دولتهای اروپا خواهد گردید. ولی ارنالوها بکرات کار بر خورده بطور عاقلانه رفتار نموده بشوینقات دولتهای همسایه چندان اعتماد نمیکند. ما مورین پنهانی اوستریا پاره مواعید اهالی (مردیتا) را تشویق میکردند حتی (پرنک دونا) رئیس اهالی مردیتا بهم اهالی بعضی از اتباع خود به (توزی) آمده ولی اثری از مواعید اوستریا در باره آنان ظاهر نگردید. بنابر این رئیس مؤمن البه و سایر اهالی (مردیتا) بسبب خلف وعده برضد اوستریا حرکت میکنند.

اهالی سمت بالای ارنالوهاست بیکدرجه دارای امتیازات هستند بنابر این اکنون را در آنجاها آثار اختلال و شورش دیده نمی شود آنان را بجز از نگاهداری وطن خودشان از هر گونه تعرضات آرزوی دیگری نیست.

هرگاه دولت عثمانی برضد ارنالوها قوه جبری بکار نبرد وقوع شورش در ارنالوهاست بوجهی ملحوظ نیست زیرا ارنالوها وقوع این حالات را بالمطلع میخواهند. و علاوه بر امتیازات حاضر



اخبار نامه ( لافرانس ) منطبعة پاریس  
میگوید . هرگاه دولت عثمانی بانه را بیوانستان  
وا گذار نماید موجب خشنودی ما ( فرانسه )  
خواهد شد . ولی در صورتیکه دولت مشاعر الیها  
از دادن یانه امتناع نماید از دولت فرانسه خواهش  
میکنیم که شمشیر خون آلود خود را که در جنگ المان  
دچار صدمات گردیده است از غلاف خود  
بیرون نکند . زیرا شمشیر فرانسه هنوز با خون  
خود رنگین است . مسئله یونان اشکالات دارد  
مظنون است بمناسبت بودن منافع متضاده در میان  
دولتها مبادت افکار حاصل گردد . اتفاق دولتها  
در این باب ممکن نیست . ما را لازم است که مداخله  
باین کارها ننموده بولایت مستقیمی که در ضمن منافع  
مملکت خودمان باشد پیش گیریم . باندست  
زنجار خودمان بکارهای دیگران مداخله ننماییم .  
مانم ایالتی از دست رفته خودمان را بکیریم .  
و حقوق یتیمان ایالتی ( الساس ) و ( لورن ) را  
نکاهداری نماییم .

### ورقه

منشی محترم اختر را عرض می شود .

چنانکه مسلک مستقیم ایشان است که پیوسته  
اینان وطن را باندزهای مشفقانه و مصالح حکیمانه  
از معایب پاره کارها یاد آوری نموده برادران دینی  
و وطنی را همیشه نشو و نو بترقی در عالم تیش  
و تمدن و گسب و تجارت کرده با کمال نقایص کارهای  
معیشت و صنعت و امید دارد و نوشتن مطالبی را که  
متضمن منافع عمومی است بر همه مراتب مرجع  
میدانند این است که مختص هم بجهت یاد آوری  
فقره که منافع عمومی اینای وطن از آن متصور است  
نوشتن همین ورقه جسارت ورزیده ضمنا عرض  
مینمایم .

چنانکه معلوم آنجناب است هر سال از مالک  
ایران تخمینا بقدر بیست و سی هزار کیسه تنباکوی  
کاشان و اصفهان بمالک محروسه دولت علیه عثمانی  
وارد می شود و باین تنباکوها از کاشان و اصفهان  
تا اسلامبول مبلغ کراف خرج و کرایه داد می شود .  
و علاوه بر آن در چند جا مبلغی بنام کرک و سایر  
عنوانها از صاحب مال میگیرند پس از آنکه  
از همه این عقبات گذشته بپای فروش رسیده

در حین فروش یک کیسه تنباکوی بیست سی و قبه  
وزن دارد پنج و شش و قبه آنرا بنام ( طره )  
یعنی هیچ باین میآورند و حق هم دارند بجهت  
اینکه در ته هر کیسه بهمان مقدار تنباکوی درهم  
و مخلوط باخس و خاشاک میگذارند که در واقع  
بمثله هیچ است . آبا انصاف است که بعمده  
و خوبترین متاع مملکت ما که هر سال بخارج  
رفته مبلغ کراف پول از آن متاع وصول گردیده  
منافع ن بملیکت و ابائی آن مملکت عاید میگردد  
مشق خس و خاشاک را مخلوط نموده علاوه بر آنکه  
موجب کاهش قدر و قیمت آن متاع می شوند مبلغی  
هم بنام کرایه و کرک داده شود . و گذشته از آن  
عجاسایر ملتها که این وضع تنباکورا می بینند  
نمیگویند که اینها بجهت پایه مردمان فرومایه و نادان  
هستند که خاشاک را از مسافت شش ماهه را بجل  
نموده کرک و کرایه میدهند و این متاع نیکورا خوار  
و بی مقدار میکنند . در جواب آنان چه خواهیم  
گفت . آبا این صاحبان تنباکوی هیچ متاع و معمولات  
فرنگستان را ندیده اند که بجهت درجه در ظرف  
و افاقه و پاکت و قوطی آنها اهتمام میکنند از اقصای  
بلاد مغرب آورده در مشرق زمین بجهت طراوت  
می فروشند . اقل از این کبریت فروشی فرنگستان  
عبرت بگیرند که پستترین متاع آنان است و نیم  
شاهی قیمت آن است که برای آن نیز محفظه بسیار  
خوبی درست کرده اند . برای اینکه در کیسه  
و مشین تنباکوی پنج شاهی صرف باشد سی و قبه  
تنباکوی یک پارچه خسته صد پاره و یک مشین  
که نه و پوسیده بچیده حل دواب نموده بشش ماهه  
راه میفرستند و هیچ خیال نمیکند که این متاع  
از رودخانه ای متعدد خواهد گذشت و سه ماه  
در زیر برف و باران راه خواهد رفت و از در باهای  
بیکران عبور خواهد نمود هرگاه جزوئی آب  
بمتاع مذکور بخورد نصف بنصف از قیمت آن  
کاسته می شود و خسارت آن هزار مرتبه از آن  
پنج شاهی صرفه که ملاحظه میکند بالاتر می شود  
چنانکه خودشان هر سال بدفعات دچار اینگونه  
خسارت میشوند ولی نه عبرت میگیرند و نه تجربه حاصل  
مینمایند . همچنین است وضع اموال التجاره که از  
انجبا بایران میفرستند . خلاصه مستدعی هستم  
که این فقرات را به زبان که خودتان مناسب  
میدانید باهالی ایران یاد آوری نمایند که بلکه  
کلمات حکمت آیات شما در نزد هموطنان مؤثر افتاده  
نقایص این کارها را ا کمال نموده بر منفعت خودشان

بفرایند و متاع خودشان را در نظر دوست و بیگانه  
بدین وسائل جزوئی جلوه دهند . بقدر و قیمت  
و رونق امتعه خود بفرایند . امیدوارم  
که آنجناب هم در مواقع مناسب هموطنان را از معایب  
و نقایص این کارها آگاهی داده یاد آوری نمایند  
بلکه با اهتمام و نصایح آنجناب ملت عقب مانده  
مانیر شکات مطلب را فهمیده راه ترقی و تمدن  
پویند و بر مراتب اعتبار خود بفرایند .

### اختر

همه بیانات صاحب ورقه در این باب مقرون  
بصدق و صواب است انشاءا منیر هرگاه موقع مناسب  
بدست آید در اینخصوص از آنچه میدانم سخن  
خواهم گفت ولی عجلاله میگویم خدای تعالی ما  
اهالی مشرقستان را دیده بینا و کوش شنوا اعطا  
فرماید .

کاغذی است که از تبریز بامضای چند نفر  
از متهبران مملکت برای درج شدن در صحایف  
اختر باداره رسیده است .

معلوم است که از فقره فقط و غلای تبریز  
اداره کرامی ( اختر ) اطلاع کامل حاصل  
نموده است که سال گذشته بجهت سختی زمستان  
و کثرت برف و باران طرق و شوارع بالمره مسدود  
و راه تردد بکلی موقوف و موجب ترقی اسعار  
گردید قیمت نان در آنک زمان زیاده از هوم و کان  
بالا گرفته بدوجه که یکم کندم به قران یافت نشد  
اهالی شهر از این روز زیاده از حد مضطرب و پریشان  
گردید مختاطرات فقط هر روز بیشتر میشد کار  
گذاران حکومت از اصلاح وضع و تمشیت عمل  
نان و آذوقه اهالی شهر درماندند تا اینکه حضرت  
اشرف اجدد الاولیاء عهد کردند مهتد دولت اید  
آیت ایران دامت شوکتها محض بملاحظه رأفت و مهربانی  
و رعیت پروری و ناد کسری خودشان بنفس نفیس  
بتمشیت عمل نان اقدام فرموده چا کران آزموده  
و تمحن و کار گذاران ستوده و مؤمن خودشان را  
اوامر اکیده و عذیده اعطا فرموده مقرر  
داشتند که محض برای نکاهداری تبعه و زبردستان  
که و ذیعه ایزدنان هستند از محالات دور و نزدیک  
مانند ابالت خجسته و محالات آن که کندم فراوان  
و آذوقه از آن بود غله زیادی خریده بتبریز روانه  
دارند . لهذا حسب الامر اشرف والا در آنک  
وقتی از آنجاها کندم زیاد ابتباع شده و بصورت



بی پایان و کرایه کران بجهتسار پابان جن و تبریز نقل کرده شد . در حالیکه یکمن کندی مبلغ سه قران وارد تبریز شده بود هر یکمن را بموجب دستور العمل حضرت والا بخبازان شهر در قیمت شش عباسی یعنی بثلاث قیمت آن داده شده و در همه دکانین مامورین در سنگار نیز کاشته شد که خبازان نتوانند حبله و افسادی داخل کار نمایند . نان را نیز یکمن از قرار یک ریال قیمت داده . موجب رفع اضطراب رعیت و آسایش مملکت گردیدند .

هر چند که کاشنکان حضرت والا مبالغ کراف در این راه صرف نمودند ولی در حقیقت سبب حیات پنجاه هزار نفر از اهالی مملکت گردیده گروه انبوهی را از بجهت مرگ بکریستی خلاص فرمودند . چون ما بندگان ناچیز از ادای شکر این نعمت عظمی عاجز بودیم بر خود واجب دانستیم که بمقاد فاما بنعمت ربك فحدث عل نموده این تشکر نامه را بنام اهل آذربایجان بدارخانه کرامی اختر تقدیم نمایم تا آنکه در صحایف آن درج نموده بلکه بدینوسیله از هزار يك و از بسیار اندك شکر نعمت ولی نعمت زاده افخم خود را دست رس باشیم .

مقرب الخاقان فضلعلی خان سرتیب فوج مرآغه از ماموریت خود استعفا نموده از جانب وزارت جلایه جنك نیز استعفاي مشارالیه پذیرفته گردید . چون خان مشارالیه بدر بر پدر از چاکران صداقت نشان دولت علیه ایران بودند و پیوسته در محاربات و سایر خدمات بصداقت و استقامت رفتار نموده حسن خدماتشان منظور نظر اولیای دولت علیه گردیده حتی والد مرحومش ( نصره الملک ) در غزوات سابق در کمال شجاعت و مردانگی جان سپاری نموده از این قبیل خدمات بسیار از این خانواده محترم بظهور رسیده بود بنابراین حضرت اشرف والا و امجد دولت ایران نظر خدمات و صداقت خانواده ایشان و از کمال قدر دانی و بنده بروری نخواستند که خان مشارالیه بکلی از جرك چاکران صداقت عنوان دور و خدمات چندین ساله آنان فراموش گردد لهذا خان مشارالیه را در سلك پیش خدمتهای مخصوص خودشان منسلک و قرین التفات بی پایان داشته بین الاقران سربلند و ممتاز فرمودند . در حقیقت اینگونه التفات و قدر دانی که حضرت اشرف والا درباره خان مشارالیه ظاهر فرمودند موجب مزید صداقت جمیع چاکران و امیدواری همه طبقات

اهل ایران گردیده باعث افسوس و ندامت کج کاران نیز تواند شد . والسلام .

از اخبار نامه مفرح القلوب عینا نقل کرده شد \*

اخبار نامه ( سول ملیتری کرت ) منطبقه کراچی در نسخه مؤرخه ۲۲ ماه ژوئن بموجب کاغذ اخبار نیکار کابل میگوید . ۱۰ کر چه ما خود را از مسئولیت این خبر کنار میگیریم ولی بموجب کاغذ دوستی که آنرا راستگو و محل اعتماد خود میدانیم معلوم می شود که سردار عبدالرحمن خان در مخفی باروسیان ساخته است و چهارده روز قبل از روانه شدن خود بطرف دریای هامون هر روز و بی دربی با کورنر جنرال روس در خلوت ملاقات و مکالمات مینمود و کورنر جنرال مذکور برای دادن هفت لك رویی نقد و بسیاری از سپاه روس یعنی سپاه روس که در ترکستان هست باو وعده کرده بود و مقصودش این بود که سردار مزبور ترکستان افغانه را فتح و تسخیر نماید . سردار مذکور معادل هفت لك رویی نقد از کورنر مشارالیه گرفت اما کورنر سپاه را بدو جهت قبول نکرد یعنی گفت که اگر سپاه روس را همراه خود با نغانستان ببرم اهالی آنجا که روسیان را کافر میدانند او را هم کافر تصور خواهند کرد و بجای اینکه او را امیر خود خوانند جان او را خواهند گرفت و دیگر اینکه اتفاق و موافقت مابین سپاه روس و افغانستان باعث اشتباه خاطر دول خارجه گردیده خیالات آنها را باینطرف منوجه خواهد کرد لیکن هرگاه مرا ضرورتی پیش آمد البته در آنصورت از شما طلبکار اعانت و کت خواهم شد . پس از اینجهه بند وبست و تمهد و پیمان سردار مذکور بمعبیت قدری سپاه روانه سمت دریای ( هامون ) گردید .

و همراه سرداران و خوانین عهد امارت پدر خود امیر افضل خان و نیز با سرداران و خوانین و صاحب منصبان عهد امیر شیر علیخان راه و رسم خط و کتابت را جاری نمود و با ایشان عهد و اقرار کرد که هر کسی که با او در اینکار معین و مدد کار و رفیق خواهد شد ماه بماه معاش باو داده خواهد شد . نخستین مردم راه مخالفت و عدم مراقت را با او پیش گرفتند اما سردار مذکور هیچ خوف و هراس از ایشان ننکرده بسیاری

۱ . آقای امیر شیر علی خان را که سردار مزبور در باره آنان بدینسان شده بود بملاکت رسانیده از مشاهده اینحال مخالفت مردمان رو بزوال و موافقت نهاد و رفته رفته مخالفت بکلی موقوف شد و تمام ملك مطیع و منقاد سردار مشارالیه گردید . چون دید که همه ملك تابع او شده است چهار لك رویی از سه کس سرداران و يك لك رویی از مردم تجارت فرض نمود علاوه بر آن بموجب خبرهای تازه اطلاع حاصل نمودیم که بغیر از مبلغ مذکور فوق هم بسیار پول از مردم بنامهای دیگر گرفته است و هر قدر سردار مذکور با پول دیگران فضول خرجی میکند همانقدر هم در اخفای راز خود بخیل و ممسك است و مردم را ترسانیده است که هر که احوال او را بکابل خبر ببرد یا از جان کشته خواهد شد یا مال او ضبط خواهد کردید یا هر دو کفر خواهد رسید و هر روز از احوال خود بدوست ما ( جنرال کافن ) بطرف تاشکند خبر مفرستد و هیچ شك نیست تاشکینی را که ما بواسطه سفیر بطرف سردار مذکور تبلیغ نموده بودیم خبر آن هم بجنرال مذکور رسیده و او را بر ما موقع استهزا و مضحکه بدست آمده باشد .

اخبار نیکار مذکور در آخر کاغذ خود مینویسد اگر چه سردار مذکور سفیران انگلیس را بخوبی پذیرائی کرده و بسیار احترام نموده اما در دور خیمه ایشان سپاهیان خود را برای حفاظت مامور کرده بود و این ماموریت محافظین از برای این نبود که سفیران ما را از شرارت و اذیت مردم اشترار نگاهداری کنند بلکه بجهت این بود تا کسی با ایشان ملاقات نکند و سر سردار مذکور را در نزد ایشان فاش نسازد . و سردار مشارالیه هرگز خوش ندارد که ملك قندهار از کابل جدا کرده شود لیکن سفیران انگلیسی باو گفته اند که الحال سرکار انگلیس قندهار را از کابل جدا نموده است دیگر هرگز با کابل ملحق نخواهد شد .

اخبار نامه ( تا کبلات ) بموجب کاغذ اخبار نیکار پاریس میگوید . دو تنهای اروپ پیش از این کو یا در باب اجرای قرارداد کونفرانس برلین اتفاق نموده اند که در صورت عدم قبول قرارداد مذکور بر ضد دولت عثمانی بهمراهی همدیگر بحرا يك خود نمایی بعمل بیاورند . تا یکم ماه اگست آینده فرنیکی بدولت عثمانی در باب جواب رد و قبول هم مهلت داده شده است



هرگاه تا انقضای مدت مذکور قرارداد کونفرانس پذیرفته نشود و انکرگاه (اولکون) بحکومت قره‌طاغ واگذار نکرد آنوقت کشیمای جنبی دولتهای اروپا حرکت خواهد کرد.

هرکدام از دولتهای اروپا که در کونفرانس مرخص داشتند دوفروند کشتی جنبی خواهند فرستاد. پس از آنکه حدود قره‌طاغ را انجام داده شد کشیمای مذکور بلنکرگاه (نارد، وکلاوس) خواهند برگشت.

اخبارنامه مذکور از این حرکت و خود نمایی دولتها اظهار تعجب نموده میگوید. اینروزها دولت المان بمناسبت رخصت دادن بصاحب منصبان المان که در خدمات دولت عثمانی مستخدم بشوند چنان استنباط می‌شود که نوعی سرتاقت با دولت عثمانی دارد.

پرنس اسمارک به همین مناسبت تصورات (مسکو کلاستون) را بی ثمر واقدمات دولت فرانسه را در این خصوص مانع خواهد آمد.

پرنس اسمارک به مجلس کونفرانس را در باب وسعت دادن نفوذ خود در نزد دولتهای اروپا وسیله خوبی بدست آورد. زیرا پرنس اسمارک پیش از وقت استنباط نموده بود که مجلس کونفرانس برلین در باره دولتین انگلیس و فرانسه موجب مخاطرات خواهد شد لهذا دانسته و فهمیده در باره انعقاد مجلس کونفرانس با سایر دولتها همراهی نمود. پس بلا حذوف همین تدابیر نفوذ المان در شرق قوت حاصل خواهد کرد.

پرنس اسمارک بخوبی میداند که از خود نمایهای بحری بر ضد دولت عثمانی هیچ نتیجه حاصل نتواند شد. و ممکن است که در آخر از این وضع در میان دولتهای اروپا شورش مانند شورش برج بابل واقع شود.

خلاصه نتیجه خود نمایهای کشیمای جنبی را که دارای بیرقهای دولتهای شش گانه است از حالا تعیین نمون و درجه تأثیرات مسنده مشرق زمین را در باره موازنه آسایش اروپا از اکنون فهمیدن محال و متع است.

اخبارنامه (کرت الماند) که در وین طبع و نشر می‌شود مقاله مخصوصی بقرار ذیل نوشته است.

اینکه دولت عثمانی برای استخدام در بعضی دوازه دولتی خود صاحب منصبان المان خواسته است

دولت مشارالیه اشایسته تبریک است. پرنس اسمارک وقتی گفته بود که بادوستان خودمان بطور دوستانه رفتار خواهیم نمود (این سخن تغییر وضع بولتیک المان را درباره مشرق زمین واضح میکند.

وقتی که دولت المان با دولت روس هم دست شده بود پرنس اسمارک نیز بادر بار روس بر ضد بایعالی حرکت نموده موجب تسهیل انتزیکهای روس گردید.

پس از آن هر وسیله و ملاحظه که بود پرنس مشارالیه از دوست قدیمی خود پرنس غورچاکوف رو گردان ورنجیده خاطر گردیده اتفاق دولت اوستریا را اساس بولتیک خود قرار داده است.

از آنوقت تا کنون پرنس مشارالیه بولتیک المان را درباره شرق تغییر داده مانند (بارون همیرلی) رئیس وزرای اوستریا هوا خواسته نگاهداری وضع حاضر گردیده حرکتی را که موجب خونریزی خواهد شد جایز نمیداند.

دولت اوستریا چنانکه نمیخواهد دولت روس بخلیج اسلامبول نزدیک بشود همچنان نمیخواهد دولت انگلیس نیز در خلیج مذکور پای مداخله داشته باشد.

پرنس اسمارک بمناسبت رخصت دادن بصاحب منصبان المان که داخل خدمات دولت عثمانی بشوند این آرزوی دولت اوستریا را نوعی قوت داده است. و بعضی دولتها نیز یادآوری نموده است که دست تعرض خودشانرا از دامن مشرق زمین کوتاه نمایند.

اخبارنامه (فرمدیلالت) میگوید. بجهت فرستاده شدن بعضی صاحب منصبان المان که در خدمات عثمانی استخدام بشوند اضطراب و هیجان بزرگی در لندن و پاریس حاصل شده است و با اعتقاد ما این اضطراب و هیجان خیلی بی جا است. حتی در دوازه حکومتی اوستریا تلاش واضطرابی که از این مورد لندن و پاریس حاصل گردیده است بنظر اضطراب و تعجب فوق العاده دیده می‌شود. زیرا از چند سال باضطرابی است که از همه دولتهای اروپا بسیار صاحب منصبان عسکری و ملکی بعضی بطور موقت و بعضی بطور دائمی در خدمات عثمانی استخدام میشوند.

سبب اینکه دولت عثمانی این بار صاحب منصبان المان را دعوت کرده است این است که مسکو (کلاستون) با شکایت میگوید دولت انگلیس

خدماتی را که بدولت عثمانی وارد می‌آید اعتنائی نخواهد نمود و بهیچوجه برای نگاهداری تمامی ملکیت عثمانی مداخله نخواهد کرد. این است که دولت عثمانی از صاحب منصبان انگلیس بعد از این بطور لایق خاطر جمع نتواند شد و بالطبع برای اصلاح بعضی دوازه حکومتی خود از دولت المان فرستاده شدن بعضی صاحب منصبان را خواهش نمود.

زیرا بمناسبت اینکه دولت المان در کارهای شرق چندین علاقه ندارد که بدین واسطه سبب وقوع محاسده و رقابت در میان ساردها گردد. و پیوسته در امور شرق بطور بی طرفی رفتار نموده است. به همین ملاحظاتی جای آن دارد که دولت مشارالیه بیشتر از سایر دولتهای اروپا طرف اعتماد و امنیت دولت عثمانی گردد.

بشایر این صاحب منصبان المان معضلات امور را که در عهده خود می‌گیرند می‌توانند بکمال بی طرفی و بی هیچ ملاحظه انجام بدهند. گذشته از آن بملاحظه اینکه ما مورین المان بکار آگاهی و استقامت و درستکاری در نزد عموم مشهور شده اند بایعالی نیز مناسبت دانست که برای اصلاح وضع بعضی دوازه حکومتی صاحب منصبان المان را دعوت نماید. چون در بار بر این این خواهش بایعالی را پذیرفته است چنین معلوم می‌شود که حکومت المان آرزو نمیدانند این است که بعد از این جلوی پیک انقلابات در مشرق زمین گرفته شود. و این یکی نیز لازم است که یکی از دولتهای اروپا در باب اجرای اصلاحات بدولت عثمانی معاونت نماید که بدین وسیله اجرای احکام عهدنامه برلین را هم معاونتی کرده خواهد شد. زیرا عهدنامه برلین دولت عثمانی را هم مانند دولتهای اروپا شناخته استقلال و بقای دولت مشارالیه را خاطر جمعی داده است.

تنها باظهارات تهدید آمیز در اسلامبول کار از پیش نیروزد لازم است بجای بیانات تهدید آمیز که موجب ویرانی ممالک عثمانی می‌شود در باب اجرای اصلاحات از جانب اروپا بطور جدی معاونت کرده شود.

(بقیه کاغذ است که بسبب هزنی را ولسون نوشته شده)

(از رساله (رود و ووند) ترجمه می‌شود.)

آنانکه از روی دلسوزی این اعتراضات بی جا را شایسته استماع و اهمیت میدادند این سوالات محققانه را که از جانب یک شخص مشرق زبانی کرده می‌شود باید جواب کافی بدهند جواب آنان نیز



همین است که میگویند ممکن است دوات ایران در آینده خواه باختر خود خواه با جبار دولت روس برای یورش بردن به هندوستان با دولت مشا را بنا بر اتفاق و معاهده بگذارد و با اتفاق هم دیگر به هندوستان هجوم بیاورند لهذا همین ملاحظاتی موقع هرات در نزد انگلیس اهمیت حاصل نموده است و نمیخواهد که شهر مذکور در تصرف ایران باشد . همین جواب اگر چه در ظاهر بسیار مهم و طرف اعتنا بنظر میآید و جای آن دارد که هر انگلیسی از شنیدن این بیانات اظهار دلشکی نموده نخواهد که ایران و هرات ردیف هم شوند ولی من در جواب این بیانات باز اظهارات نخستین خود را تکرار کرده میگویم . آيا چاره که شما برای عدم وقوع این حالات بکار میرید برای دفع این احتمالات کافی است یا نه . در حالتی که خودتان میگویند ممکن است دولت ایران با روس هم عهد و متفق گردیده در آینده به هندوستان یورش ببرد لهذا مناسب است که هرات در دست افغان باشد پس چگونه می شود که افغان باین اتفاق و معاهده روس کمتر از ایران مایل بشود و علاوه بر آن امیر افغانستان بکدام قوت میتواند در مقابل این دودولت متفق و متعاهد پایداری نماید و ملاحظه کدام منفعت در خصوص نگاهداری هندوستان شما بادولتهای مشارالیهما آغاز جنگ و ستیز و تباہی ناگوار آنرا برخود هموار خواهد نمود .

از ترجمه حکایت تملک

دار و دیارت فراهم آورد فراموش وز بان از تقدیم مراسم شکر و سپاس خواهم نمودی چگونه رخت سلامت از ورطه سبیل کشی مگر سختی و مذلت و مضرت در بک لحظه به نیک بختی و مسرت مبدل نکردید و در شهر ( طبر ) پنجه غیث جان از شکفته مهالک و سر از دم شمشیر شداید زهائید پس از مشاهده چندین شکفته هنوز نمیدانی که حاجب تقدیر بروی آمالت چه درها کشاده دارد و سر نوشت چه در برابر نهاده لیکن این راز نهفته به تروان اسرار نگفته خوشتر که سزاوار آن نمیشانی رفتن برای من دشوار نیست میروم و راه بیرون رفتن از اینجا بره و رسم نجبات یافتن از این ورطه را نیک میدانم تو ای فرزند بی غیرت و ناموس آن چنان پدر عاقل و جوانمرد بمان در اینجا و تن بلهو و لعل بسیار و با عدم آبر و تقوی در میان زنان عمر بیایان آورده روز و شب شمار

بعضی از سیاحان زیرك انگلیس محض ملاحظه منافع شخصی خودشان در باره هرات شهرتهای بیخنی بمان آورده و اوله در انگلیستان انداخته باشخاص بی اطلاع انگلیستان که از وضع هرات آگاهی ندارند چنان وانمود کرده اند که هرات بنسبت موقع طبیعی نوعی واقع شده است که حقیقه قابل تسخیر نیست و میتواند برای نگاهداری هندوستان سد محکمی بشود اما حقیقت مطلب را نهمته و نگفته اند که قلعه هرات از استحکامات قدیمه است و بهیچوجه در مقابل استحکامات نظامی این ایام عظمی ندارد و از جمله استحکاماتی است که حالا در هر نقطه قطعه آسیا مشاهده می شود استحکامات شهر مذکور عبارت از يك دیوار خراب و سوراخ و بیاب است و قوت اشکری آنچاهم تنها عبارت از سه چهار هزار تفنگچی و دو و طلب و بی نظم است که حاکم شهر در حین لزوم آنان را بضرع چوب بشکاهداری آنجا میگرد . و علاوه بر این خود شهر از چند سمت برای یورش دشمن باز است جزو اشکری یا نظم میتواند در عرض چند ساعت قلعه را بهر یکر کند . این است وضع آن کلید مشهور هندوستان که تا کنون بوجهی در قطعه آسیا کمان بیرون او نیفت و دوات انگلیس از پنجاه سال با نظر است که برای نگاهداری آن همه آسیای میانی را باین نخستین متر زن داشته است .

و برخلاف امر خداکاری را که بدرت برخوردنک و عار بشمرد سر عشق و مایه اشتها خود انکار این سخنان نفرت آمیز متور مانند نیشتر بر چکر تملک کار کرده رقت کرد و کدورتش آبخنه با نفع و خجالت میشود و از قهر در رفتن آن بکانه هر دزد مند که سر بار هین منش بود خاطری مشوش داشت . ولی عشق فراینده که بر خودش نیر پوشیده بود از خود بدروخانه عقاشرا زیر و زبر میکرد . پس با چشم اشک آلود ( متور ) را مخاطب نموده گفت حیات ابدی و نعمت سرمدی را که رب النوع هر مرهمی بخشد بهیچ میثماری ووقعی نمیکذاری . متور برآشفته چنین گفت بلی بهیچ میثماری چیرنی را که برخلاف تقوی و امر خدا باشد تقوی تو را با درك دولت دیدار ( الیس ) و ( بلوب ) بوطن صلا میزند و تقوی تو را از پیروی نفس سرکش نمی میکند و خداوندی که ترا از غراب شداید و مهالک پیشمار خلاصی

این کلید هندوستان از جمله کشفیاتی است که عقلای انگلیستان پیدا کرده اند که بعقل ما اهالی مشرق زمین هیچوقت نمی رسید . امت . چون در مالک فرنگستان اغراق کو بی عادت شده است . و فسا چنین کان میبرند که هر کس صاحب هرات بشود هندوستان مسلمان او خواهد بود . آيا سرداران انگلیس در حقیقت معتقد این هستند که بدون تصرف هرات یورش بردن به هندوستان محال است در این صورت سمرقند و کابل و خصوصاً قندهار را که هر يك بحسب موقع هزار بار از هرات بهتر و مناسبتر هستند چرا باید اهمیت نداده بقدر هرات کلید هندوستان شمرده نشوند . هرگاه کار آگاهان انگلیستان هرات را در حقیقت مانع یورش هندوستان تصور میکنند میتوانیم بگوییم که این محض تصور بی جا و خیال نازسا است . زیرا در این حال مواقع ( مرو ) و ( مشهد ) و ( استراباد ) را بکدام دلیل بقدر هرات اهمیت نمیدهند . کار آگاهان انگلیس نباید باین خیالات واهی پیروی نمایند . بدلیل اینکه هرگاه باستعدادات وافی و تدارکات کافی بنای قشون کشی بسمت هندوستان بشود آیا میتوان گفت که آن لشکر زیاده بر یگروز خود را در مقابل قلعه مثل هرات که بمنزله هیچ است معطل خواهد نمود . در جواب این سوالات من میگویند وقتی که کار با بیجاها رسید دولت انگلیس تنها اهالی هرات را بمداغه یورش

داده و مانند پدر بایه جلالت و اشتها را از همکنان بر نهاده . بزرگ این سرزمینت امر میفرماید مگر عشق بی باک برنجیرتد و بر پای بنده این خاک خطرناک کند . حیات ابدی و عمر جاودانی با وجود اسیری و عدم تقوی و نیکبانی و اشتها چه بکار آید بلکه برای مؤید بودنش عین بدبختی است . تملک بهیچان رفیق نیکخواه خود جز آه جواب نمیداد گاهی در آرزوی آن بود که متور برغم خوشش از اینجا بره بیرون برد و گاهی رفتن متور را آرزو میکرد تا از دیدار آن یار دل آزار و از استماع گفتار ناگوارش که همه ملامت ضعیف نفس وی بود خاطر آسوده دارد و این همه خیالات متضاده و در هم خاطرش را آشفته و پریشان داشت و دلش مانند در بانی بود که با پنجه بادهای مخالف آید از پریشانی حواس گاهی در ساحل دریای رفیق بحر تعمیر گردیده ساکت قیامت همی افتاد و گاهی در میان پیشه تاریک رفته به تیره روزی خود میل



دشمن نخواهد کاشت بل لشکریان خود را نیز پیش از وقت داخل آنجا نموده قلعه مذکور را طوری استحکام میدهد که تسخیر آن متعسر بل غیر ممکن گردد. اینک جان کلام ظاهر گردید. و حقیقت مقصود بر آن شد. آری قشون انگلیس میتواند بهرات برود. پس در صورتیکه هنگام وقوع مخاطرات دولت انگلیس باید بالشکر خود دفع بورش دشمن بکند. دلیل چیست که خود را گرفتار این همه محصور و تلاش میفاید و این ملک را از تصرف ایران درآورده بشتی افغانه بی ثبات و بی استقامت می سپارد. چرا بمعاونت لشکریان که هزار مرتبه بهتر و با کفایتتر از افغانه است نمیخواهد که تصورات خود را از قوه بفعل بیاورد و از حصول مقصود اطمینان قلب حاصل نماید. در جواب این اعتراضات نیز میگویند که دولت ایران تابع پولیتیک روس است دولت انگلیس بهمین ملاحظه نمیتواند بصدق نیات ایران اعتماد نماید. ولی جای تعجب این است که در نظر انگلیس صداقت افغانه بیشتر از ایران محل وثوق گردیده است.

باعتماد شما که دولت روس را در ایران دارای نفوذ فوق العاده میدانید بجهت دلیل سقوط دولت مشار البهارا در کابل مکتب از ایران می شناسید. از پنجاه سال باینطرف با وجود این تأثیر نفوذ دهشت آمیز روس که در ممالک ایران ریشه انداخته است باز دولت ایران از نگاهداری استقلال خود

سرکش از دیده همی بارید و غریب از دل بر می کشید و مانند شیر همی غریب تنش از لاغری مانند موی کشته و نور از چشمکن فرو رفته اش کناره جسته چهره آینهش چنان از طراوت افتاده رنگ ارغوانیش ز غفرانی کشته و شمایل شیریش تغییر پذیرفته بود که شناخته نمیشد حسن و لطافت منظر اطف رباش صورتش که آمیخته با شرم و عصمت بود از وی دوری کرده مانند کلی که از نسیم صبحدم شکفته بشمیم عنبرین دامن همرا را رشک ساحت تار یا چون طبله عطار کند و در شاهگاه پرمهره کشته از طراوت و تازکی بیفتد و رو بخشکیدن و افسردگی نهاد و خودداری نتوانسته نهال قامتش متایل گردد در کنار دریا افتان و خیزان و متعجب و سرگردان مانده بود. متصور چون دید که نفس سرکش عنان اختیار از دست تملک بدر برده و در مقابل هوا و هوس از مقاومت عاجز آمده برای استخلاص او از چنان مهملکه عظیمی تدبیری

دقیقه غفلت نوز ریده در مقابل دولتهای همسایه خود بکمال استقلال رفتار نموده است. ولی در همین افغانستانی که انگلیس آنجا را برای ایران یکرقبای تراشیده است با انواع زحمت و مخاطرات تاحال نتوانسته است تمهائی برای پیش بندی جلوتاتیرات نفوذ روس در آنجا بگذارد و بهمین بهانه در اندک وقتی خود دوباره اساس استقلال آنان را که مانند نقش بر روی آب بود یک صدمه از هم بیاشانید با وجود اینکه میخواست آنان را در مقابل مهاجرات روس سد محکمی قرار بدهد.

پس دوست عزیز من (سرهنری راولسون) باید من و شما هر دو اقرار نماییم که همه نتایج این پولیتیک نا کوار انگلیس در باره هرات بکلی برعکس نتیجه داد. باید بدانکه وقوع اتفاق موهومی را در میان دولتین ایران و روس منع نماید خودتان زحمتها کشیده و سعیها نمودید که اشکالات طبیعی را که برای اتفاق در میان این دو دولت برقرار بود رفع نموده خودتان واسطه تسهیل رابطه اتفاق دولتین مشار البهارا شده اید. هرگاه هرات در تصرف ایران باقی بود دولت و ملت ایران را از دولت انگلیس بوجهی اسباب کله و شکایت نبوده بجهت نگاهداری مناسبات دوستانه با قضای زمان با اتفاق دولت انگلیس مایل میشدند در صورتیکه هرات بتصرف ایران میآمد دولت ایران بهمان عنوان که طهران و اصفهان و سایر

بخاطرش آمده بکار بردن آن مصمم شد و چون از شدت عشق (کالیسو) به تملک آگاه بود و از تملک نیز تمیل مغرطی نسبت بحوریه که (اکازیر) نام داشت استنباط می نمود بلی عشق دلخفت را بدوستانه کوشمال بی نوع بشر رسم و آیین است که گاهی چنین میکنند که محبت یکسره باشد و قلب عاشق را از معشوق متفرق میسازد پس متور این حالت را آلت نموده بخر یک رشک و حسد (کالیسو) برداخته روزی که (اکازیر) با تملک عزم شکار می نمود متور به کالیسو گفت از ناصیه احوال تملک میل غربی بشکار آشکار میشود تا کنون اینچنین میلی از او ندیده بودم هوس بخیجراورا از انواع عیش و طرب مانع آمده و شیرینی صید افکنی سیر سایر لذات را از مذاق او برده جز گردش جنگل و کوهستان خاطرش بچیزی مایل نیست. ای رب النوع آيات او این میل و هوس را بر دل اوالقا فرمودی (کالیسو) از استماع این سخنان احساس

ممالک ایران را از تعرض بیکانگان نگاهداری می نمود بهمان درجه در نگاهداری هرات نیز اقدامات فوق العاده بکار برده با استعدادات و وسائل ممکن در حفظ آنجا میکوشید. دولت روس هم تا ورود هرات در چند مواقع دیگر بقوت مسلح ایران بایستی غلبه نماید سهل است مدت طولانی هم لازم میآمد که بر ضد منافع و استعدادات حسی همه ملت ایران بکوشد. ولی وضع پولیتیک بی استقامت انگلیس این کار بسیار مشکل روس را خوب آسان نمود. زیرا نتیجه که از این پولیتیک نا کوار انگلیس حاصل گردید این است که بجهت استرداد هرات از دست ایران ووا گذار نمودن آنجا را بشتی افغانه بی سرو با این همه مقاومتی سخت دولت ایران را که بر ضد دولت روس متصور الوقوع بود یک صدمه بآمال کرد.

بمناسبت این پولیتیک نا کوار انگلیس بجای اینکه دولت ایران بایستی بشما مانند دوست و متفق طبیعی باشد سهل است که پیوسته دولتین ایران و روس را دوست ناراضی خودتان خواهید دید که در حقیقت این دوست ناراضی از دشمن علنی بیشتر موجب اندیشه و خسارت است و اینگونه رفتار انگلیس منتهای آرزوی دولت روس بود.

(باقی دارد)

طاهر

غضب شدیدی در دل خود کرده خودداری نتوانست و چنین گفت ای تملک که پشت پا بر لذات جزیره (شیر) زده اعشرت و نشاط عفاف و رزیده چگونه در مقابل حسن بیکی از حوریان من که بر تبه کال نیست از مقاومت عاجز آمده سر بکمند عشق نهاد دیگر بجهت جرأت خود را به تقوی و بیکو کرداری و بقوت قلب و پرهیزکاری خواهد ستود کسی که در پیش بدین آسانی اسیر شهوت نفسانی گردد و کو بی بی این قدم بعالم هستی نهاده که از روی هوا برستی در میان در کال شک و عار روزگار بی پایان آورد داخل زمره خود پرستان است نه جوانمردان متور چون دید که آتش حسد در دل کالیسو مشتعل گردید و از لطافات رشک خاطرش را مضطرب و پریشان یافت مسرور شده بیش از آن مخفی نکفت و از بیم اینکه مبادا گفتار او را معلل بغرض شمارد خواش کشت. چنین بر چنین آورد

(باقی دارد)